



۲۰۱۸/۰۷/۲۲

دوکتور نوراحمد خالدی

تغییر ۱۸۰ درجه در عقاید اعظم سیستانی در مورد کودتای ۲۶ سرطان

چند سال قبل آقای اعظم سیستانی در دفاع از دست آوردهای دهه دموکراسی و بر داشت از داوود خان و سیستم دکتاتوری مطلق العنان وی در اثر خود تحت عنوان "پنجاه مقاله سیستانی" چنین استدلال نمود:

"در کشور ما در قرن بیستم دیموکراسی دوبار چهره نمود و مردم ما آنرا در وقفه های ده ساله تجربه کردند و خاطرات شیرین و فراموش ناشدنی از هر دو بار را بیاد دارند. ولی متأسفانه که هر دو تجربه بنابر مداخلت دستهای بیگانه از آستین روحانیت بنیاد گرا، با تلخی دردناکی پایان گرفت. بار اول در عهد سلطنت شاه امان الله غازی پس از استقلال در ۱۹۱۹ آغاز شد و با اغتشاش های ارتجاعی در شنوار و..... پایان یافت و جای آنرا استبداد گرفت و مردم تا ۳۰ سال دیگر خمیازه کشیدند. بار دوم با انفاذ قانون اساسی ۱۹۶۴ در عهد سلطنت ظاهرشاه، دموکراسی دوباره طلوع کرد. رونق نشریات، آزادی مخالف و موافق دولت، سخنرانی های آتشین برضد رژیم وقت، از طریق مظاهرات و راه پیمایی محصلان و دانشجویان پوهنتونها و لیسه های مرکز ولایات کشور در بیشتر اوقات درسی، مضمون اصلی این دهه دیموکراسی بود. شوق و ذوق جوانان به مطالعه و تلاش برای بدست آوردن آثار مترقی کسانی چون: مارکس، انگلس، مائو، و و نویسندگان اسلامی چون: سید قطب، حسن البنا، موالنا مودودی و غیره به حدی رواج پیدا کرد که در هیچ وقت و زمان دیگری در افغانستان تا آن حد رونق نیافته بود و میتوان گفت که تمام سیاستمداران و دولتمردان افغانستان در سه دهه اخیر، محصول همان دهه دیموکراسی است که با کودتای سردار محمد داوود در سال ۱۹۷۳ ستاره دهه دیموکراسی افول نمود."

حالا این برداشت فوق را با مقاله دیروزی اعظم سیستانی تحت عنوان "کودتای ۲۶ سرطان و کودتای ۷ ثور هردو محصول دهه دیموکراسی!" که در مخالفت با دموکراسی و دفاع از کودتای ۲۶ سرطان و مدیحه سرایی از اقدام داوود خان نوشته مقایسه کنید که بیانگر یک تغییر ۱۸۰ درجه در نظریات موصوف در ظرف صرف چند سال محدود میباشد. این بار موصوف مینویسد: "داودخان در جامعه عقب مانده افغانستان، بجای دموکراسی های بی بند و بار، بیشتر طرفدار شیوه حکومت داری با دسپلین از نوع حکومت کمال اتاترک بود، هرچند تا کنون در این زمینه کسی تحقیق نکرده است." کمال اتاترک یک توتالیتار بود و در یک عصر کاملاً متفاوت، ۱۰۰ سال قبل در قدرت بود.

در عین زمان در این مقاله اعظم سیستانی ناجوانمردانه کسانی را که کودتای داوود خان را سرآغاز بحران و بدبختی در افغانستان میدانند به عنوان کسانی که "منافع خود و خاندان خود را از دست داده اند" محکوم میکند. ملیونها افغان صاحب نظر با توجه به عواقب کودتا شاید مخالف کودتای ۲۶ سرطان داوود خان باشند اما در عین

زمان هیچ منفعی و مقامی را در سقوط نظام سلطنی ظاهر شاه از دست نداده باشند. این برداشت مغرضانه نشانه طرز دید خصمانه و شخصی کینه توزانه اعظم سیستانی در مقابل مخالفین نظر او است. شخص خودم و فامیل من در زمان کودتای داوود خان نه مقام قابل یادآوری در دولت ظاهر شاه داشتیم و نه منفعی که از دست دهیم و برعکس اگر مقام و منزلتی یافتیم در جمهوری داوود خان بود و این دلیل نمیشود که از اصل روشنفکری یک محقق و مبصر که تحلیل عینی و آفاقی قضایا است عدول کنیم!

پایان

